

رابرت وانوی، پیامبران بزرگ، درس بیستم

اشعیا ۵۵ - ۵۶

اشعیا ۱: ۵۵-۵۶:۲، پیشنهاد رایگان نجات

بیباید با اشعیا ۱: ۵۵-۵۶:۲ شروع کنیم، که دومین بخشی است که اینجا به آن می‌پردازیم. این بخش دعوتی از افراد است تا از پیشنهاد رایگان نجات بهره‌مند شوند. فکر می‌کنم مانند فصل قیل، مانند فصل ۵۴، این فصل مستقیماً بر توصیف کار رهایی‌بخش بنده در اشعیا ۵۳ استوار است. بنابراین دوباره، شما در مورد نتایج کار بنده صحبت می‌کنید و در سه آیه اول از مردم دعوت می‌کنید تا از نتایج کار بنده بهره‌مند شوند.

در آیات ۱ تا ۳، این دعوت به دعوت خدا - دنبال چیزی که نمی‌تواند ارضا کند، نباشید اشعیا ۱: ۵۵-۳ صورت کلی ارائه شده است. توجه کنید، «ای هر که تشنه است، به سوی آب‌ها بیایید. آنکه پول ندارد، بیاید و بخورد. بیباید شراب و شیر را بدون پول و بدون قیمت بخرید. چرا برای چیزی که نان نیست، پول خرج می‌کنید؟ و برای چیزی که سیر نمی‌کند، زحمت می‌کشید؟ با دقت به من گوش فرا دهید و آنچه نیکوست بخورید و بگذارید جانتان از فربهی لذت ببرد. گوش فرا دهید و نزد من آید. بشنوید و جانتان زنده خواهد ماند.» فکر می‌کنم نقطه است. اما در اینجا دعوت خدا را به طور کلی دارید. فکر نمی‌کنم با «عطف بعد از آن عبارت اول در ۳: ۵۵ خواندن آن سه آیه بتوان چیز زیادی در مورد ماهیت دقیق دعوت آموخت، زیرا به طور کلی بیان شده است.

اما تأکید آیات این است که در حالی که مردم برای به دست آوردن چیزی تلاش می‌کنند، آن چیز واقعاً هرگز آنها را راضی نمی‌کند، در حالی که خدا رضایت واقعی را بدون هیچ هزینه‌ای ارائه می‌دهد. چرا برای چیزی که نان نیست پول خرج می‌کنید؟ «مردم به دنبال چیزی هستند که آنها را راضی می‌کند. آنها با پشتکار برای آن تلاش می‌کنند، در حالی که خدا رضایت واقعی را بدون هیچ هزینه‌ای ارائه می‌دهد. بنابراین از مردم خواسته می‌شود که از جستجوی بیهوده خود برای چیزی که هرگز رضایت یا شادی واقعی به آنها نمی‌دهد، دست بردارند. او به جای اینکه به دنبال آن با وسایل و روش‌های خود باشد، آنها را راهنمایی می‌کند تا پیشنهاد رایگانی را که خدا پیش روی آنها قرار می‌دهد، بپذیرند. بنابراین از شنونده دعوت می‌شود که برای خرید شراب و شیر، خوردن آنچه خوب است، به آب‌ها بیاید و اجازه دهد روحش از فربهی لذت ببرد. فکر می‌کنم واضح است که این اصطلاحات مجازی هستند. منظور نان یا آب یا شراب یا شیر فیزیکی نیست، بلکه چیزی است که می‌توان به درستی با آنها مقایسه کرد. من فکر می‌کنم آنها نمونه‌هایی از آنچه مطلوب، ضروری و اساسی برای حمایت از زندگی است، هستند و دعوت انجیل نیز با این اصطلاحات بیان می‌شود.

این تا حدودی شبیه عیسی در یوحنا ۴ با آن زن کنار چاه است. «هر که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد.» شما به اینجا می‌آید تا از این آب این چاه بنوشید، اما دوباره تشنه خواهید شد. من به شما

آبی می‌دهم که هرگز تشنه نخواهید شد. اما می‌بینید، این رایگان است». ای کسی که پول ندارید، به سوی آب‌ها بیایید. چرا برای چیزی که نان نیست پول خرج می‌کنید؟ و برای چیزی که سیراب‌تان نمی‌کند زحمت می‌کشید؟» می‌بینید، تلاش‌های شما برای یافتن هر چیزی و به هر وسیله‌ای که رضایت واقعی را به ارمغان بیاورد، فایده‌ای نخواهد داشت. همه این تلاش‌ها بیهوده و بیهوده انجام می‌شوند.

توصیف خوشبختی در اینجا کلی‌تر است. رستگاری می‌تواند در آن گنجانده شود، اما فکر نمی‌کنم محدود به آن باشد. مردم به طرق مختلف، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، به دنبال رضایت و خوشبختی هستند. اما آنچه خداوند در اینجا می‌گوید: من آنچه را که رضایت کامل و تمام‌عیار را به شما می‌دهم، رایگان به شما خواهم داد.

حال، وقتی به اشعیا ۳: ۵۵ تا ۵ می‌رسید، اشعیا ۳: ۵۵-۵ عهد - رحمت‌های مطمئن داوود - انتشار انجیل به چیز دیگری پرداخته‌اید. سپس می‌گویید: «و من با شما عهدی جاودان خواهم بست - یعنی رحمت‌های مطمئن داوود. اینک، من او را برای شهادت قوم، رهبر و فرمانده قوم قرار دادم. اینک قومی را که نمی‌شناسی دعوت خواهی کرد. و قومی که تو را نمی‌شناسند، به خاطر خداوند، خدای تو و برای قدوس اسرائیل، به سوی تو خواهند دوید. زیرا او تو را جلال داده است.» خداوند عهدی، عهدی جاودان، ارائه می‌دهد که می‌توان آن را رحمت‌های مطمئن داوود «توصیف کرد. او می‌گوید، کسانی که این دعوت را دریافت کنند، من با شما عهدی «جاودان خواهم بست، و آن عهد جاودان را می‌توان «رحمت‌های مطمئن داوود» توصیف کرد.

حالا شما می‌پرسید: «رحمت‌هایی که به داوود داده شد چه بودند؟» «رحمت‌های حتمی» «داوود که در اینجا به همه کسانی که در عهد خدا شریک می‌شوند، به همه کسانی که به این دعوت پاسخ می‌دهند، ارائه می‌شود، چه بودند؟» «من فکر می‌کنم ویژگی برجسته عهدی که خدا با داوود بست، وعده‌ای است که در مورد پسرش داده شده است. خدا به داوود وعده داد که نسلی از فرزندانش بر تخت سلطنت او بنشینند، یک سلسله ابدی. در نهایت، البته، این امر با آمدن مسیح محقق می‌شود.

حال آیه ۴ می‌گویید: «اینک، من او را برای شهادت قوم، رهبر و فرمانده قوم، دادم.» «و به نظر من منظور از «او» «در اینجا داوود نیست، بلکه کسی است که محور وعده خدا به داوود بود.» اینک، من او را دادم. من با تو عهدی جاودان خواهم بست، حتی رحمت‌های قطعی داوود» «رحمت‌های قطعی داوود» «در نهایت به آمدن نسل داوود، آمدن مسیح اشاره دارد.» و من او را، کسی که محور وعده خدا به داوود بود، برای شهادت قوم، «رهبر و فرمانده قوم‌ها، دادم»

سپس آیه ۵: وقتی این سه آیه را مرور می‌کنید، ممکن است بگویید که یک تغییر مرجع جالب دارید. آیه پنج مستقیماً به مسیح اشاره می‌کند. می‌بینید که وقتی می‌گویید: «اینک، تو»، این مستقیماً به مسیح اشاره دارد. اینک، قومی را که نمی‌شناسی دعوت خواهی کرد و قومی که تو را نمی‌شناسند، به خاطر خداوند، خدای تو و «برای قدوس اسرائیل، به سوی تو خواهند دوید، زیرا او تو را جلال داده است.» «حال من تمایل دارم فکر کنم که

این چندان به پیروزی مسیح در آغاز دوره هزاره اشاره ندارد، بلکه به پایان انجیل اشاره دارد. آمدن غیریهودیان برای ایمان آوردن به او - این چیزی است که مد نظر است». قومی را که نمی‌شناسی دعوت خواهی کرد، قومی که تو را نمی‌شناسند، به خاطر خداوند، خدای تو و برای قدوس اسرائیل، به سوی تو خواهند دوید، زیرا او تو را جلال داده است.» بنابراین به نظر من تأکید بر دعوت مسیح است، همانطور که در حال حاضر و در این زمان، به کسانی که او در طول خدمت زمینی خود هیچ ارتباط مستقیمی با آنها نداشت، اما اکنون پیام انجیل به آنها ارائه می‌شود. علاوه بر این، کسانی که یهودیان در فلسطین حتی نام آنها را نشنیده بودند، بعداً به بخش مهمی از قوم خدا تبدیل می‌شدند.

آیات ۶ و ۷ دعوت انجیل را تکرار می‌کنند، اما این بار با تأکید بر اشعیا ۵۵: ۶-۷ دعوت انجیل و نیاز به عفو نیاز به عفو. فصل ۵۵، آیات ۶ و ۷ می‌گوید: «خداوند را تا زمانی که یافت می‌شود، بجوید و تا زمانی که نزدیک است، او را بخوانید. بگذارید شریر راه خود را و گناهکار افکار خود را ترک کند. و بگذارید به سوی خداوند بازگردد و او بر او رحم خواهد کرد. و به سوی خدای ما، زیرا او به فراوانی خواهد بخشید.» در آیات یک و دو، جایی که آن دعوت اولیه را دارید، شنوندگان به عنوان ناصالح یا شرور مورد خطاب قرار نمی‌گیرند. در آیات اول و دوم، اشاره به کسانی بود که تشنه‌ی چیزی واقعی هستند. در آیات اول و دوم، شما به جایی هدایت می‌شوید که می‌توان آن را یافت. اما اکنون، در آیات ششم و هفتم، بر نیاز به توبه و بخشش تأکید شده است. شریر راه خود را و گناهکار افکار خود را ترک کند. و به سوی خداوند بازگردد و رحمت خواهد کرد. و به سوی خدای ما، زیرا او به فراوانی خواهد بخشید.» تأکید بر توبه، نیاز به بخشش و آگاهی از گناه، بخش‌های حیاتی پیام انجیل هستند. هیچ دعوتی برای رستگاری بدون آنها کامل نیست، اما همیشه لازم نیست از آن نقطه شروع شود. در این فصل، اشعیا از آن نقطه شروع نمی‌کند. او به کسانی که احساس نیاز دارند، خطاب می‌کند. آنها آرزوی چیزی را دارند: رضایت، کامیابی، و او به آنها می‌گوید که در اینجا این [نیاز] ارائه می‌شود. اما با پیشرفت فصل، او به این موضوع نیاز به توبه و بخشش می‌پردازد.

من اینجا یادداشتی از صفحه ۳۵ نقل قول‌های شما، ذیل ای. جی. یانگ، دارم که به آیه ۶ اشاره می‌کند. جستجو کردن نه به قربانی کردن محدود می‌شود و نه حتی به دعا، و نه به ترکیبی از هر دو، بلکه معنای اصلی «آن» قدم گذاشتن «است. عمل جستجو احتمالاً گام برداشتن به سوی خدا یا صرفاً آمدن به سوی اوست. به موازات جستجو کردن»، «فرا خواندن او» نیز وجود دارد. این دو عبارت در کنار هم، توبه ایمان و اطاعت را نشان می‌دهند. آنها شامل ترک شیوه زندگی قدیمی، راه شریران و انسان‌های گناهکار، و روی آوردن تمام روح به سوی خدای حقیقی با توبه فروتنانه است. این کار باید در حالی که او نزدیک است انجام شود «و غیره».

بیاید به آیات ۸ و ۹ برویم. اشعیا از جانب خداوند می‌گوید: «زیرا اشعیا ۸: ۵۵-۹ راه‌های خدا نه راه‌های ما

افکار من افکار شما نیستند، و راه‌های شما راه‌های من نیستند.» خداوند می‌گوید: «زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راه‌های من از راه‌های شما و افکار من از افکار شما بلندترند.» حال، فکر می‌کنم ایده آیات هشت و نه هم به آنچه در این بخش از اشعیا آمده و هم به آنچه در ادامه می‌آید، مربوط می‌شود. اگر به متن آنچه در ادامه آمده است نگاه کنید، نگرش عادی انسان‌ها این نیست که افرادی را که به آنها توهین می‌کنند و کاری علیه آنها انجام می‌دهند، ببخشند. نگرش معمول این است که انتقام بگیرند، و مطمئناً انسان سقوط کرده هرگز فکر نمی‌کند که مجازاتی را که قانون برای کسی که به او ستم کرده است، در نظر گرفته است، متحمل شود. اما این آیات می‌گویند که خدا کاملاً متفاوت است.» افکار من افکار شما نیستند، و راه‌های من راه‌های شما نیستند.» اوج آن بخش مربوط به خدمتگزار جایی است که خدمتگزار گناه کسانی را که علیه خدا گناه کرده‌اند، بر دوش خود می‌گیرد. بنابراین این آیات نشان می‌دهند که خدا چقدر متفاوت است، کسی که گناهان ما را در شخص خدمتگزار بر خود گرفت. راه‌های من راه‌های شما نیستند، افکار من افکار شما نیستند.» اما با نگاه به متن، فکر می‌کنم آنها به آنچه در آیات 10 و 11 آمده است اشاره می‌کنند.

در آیات ده و یازده می‌خوانید: «همانطور . اشعیا 55: 10-11 کلام خدا اراده خود را به انجام خواهد رساند که باران و برف از آسمان به آنجا بر نمی‌گردند، بلکه زمین را سیراب می‌کنند و آن را بارور و شکوفا می‌سازند تا به کشاورز بذر و به خورنده نان بدهند، کلام من نیز که از دهانم صادر می‌شود، بی‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را که می‌خواهم به انجام خواهد رساند و در کاری که آن را فرستاده‌ام، کامیاب خواهد شد.»

در اولین ظهور مسیح، یهودیان انتظار داشتند که او پادشاهی خود را با زور برقرار کند. آنها به دنبال این حاکم بزرگ، یک شخصیت قدرتمند بودند، اما در عوض، شما بنده رنج کشیده را داشتید. کسی که می‌آید و می‌میرد، و سپس گروه کوچکی از شاگردان را برای اعلام چه چیزی می‌فرستد؟ اعلام کلام او. این روشی است که به نظر می‌رسد موفق خواهد بود. بیهوده به نظر می‌رسد، این گروه کوچک از افراد بی‌سواد کلام را اعلام می‌کنند. اما این روشی است که خدا برای تحقق اراده خود و گسترش انجیل به اقصای نقاط زمین انتخاب کرده است. بنابراین دوباره می‌بینید، "افکار من افکار شما نیست، و راه‌های شما راه‌های من نیست." تأکید در آیات هشت و نه هم به عقب و هم به جلو به آیات ده و یازده اشاره دارد که در اهداف خدا اکنون این کلام اوست که قرار است اراده او را در جهان به انجام برساند. و می‌توانیم مطمئن باشیم که وقتی کلام منتشر می‌شود، آنچه را که او می‌خواهد به انجام می‌رساند و در چیزی که آن را می‌فرستد، موفق می‌شود.

اشعیا ۱۲: ۵۵-۱۳ مجازی: کوه‌ها با آواز خواندن از هم می‌شکنند [طبیعت یا ایماندار؟]

به فصل ۵۵، آیات ۱۲ و ۱۳، دو آیه آخر فصل. فقط یک پیشنهاد. اجازه دهید ابتدا آنها را بخوانم: «زیرا شما با شادی بیرون خواهید رفت و با صلح هدایت خواهید شد. کوه‌ها و تپه‌ها پیش روی شما به سرودخوانی خواهند پرداخت و همه درختان صحرا دست خواهند زد. به جای خار، صنوبر و به جای خس، آس خواهد رویید.»

«و آن برای خداوند نامی و آیتی جاودان خواهد بود که قطع نخواهد شد

بگذارید فقط یک پیشنهاد بدهم که این یک عبارت مجازی است، یک عبارت مجازی زیبا از نتایج رحمت خدا در زندگی قومش. تمام طبیعت برای کسانی که فرزندان خدا هستند، اهمیت جدیدی پیدا می‌کند. آیه دوازدهم: با شادی بیرون خواهید رفت و با صلح هدایت خواهید شد. کوه‌ها و تپه‌ها پیش روی شما به سرودخوانی خواهند پرداخت، همه درختان صحرا دست خواهند زد «بنابراین، می‌توان گفت که اینها نگرش‌های جدیدی هستند که نتیجه کار خدا در قلب قوم خودش می‌باشند. من فکر می‌کنم از هر دیدگاهی، آیه دوازدهم مجازی است. فکر نمی‌کنم کسی استدلال کند که همه درختان صحرا به معنای واقعی کلمه دست خواهند زد. من شک دارم که کسانی، حتی کسانی که ادعا می‌کنند در تفسیر خود تحت‌اللفظی هستند، وجود داشته باشند که این مجازی بودن را انکار کنند.

اما وقتی به آیه سیزدهم می‌رسید، می‌بینید که می‌توانید این سوال را بپرسید: آیا سیزده هم مجازی است؟ به جای خار، صنوبر و به جای خس، آس خواهد رویید و برای خداوند نامی خواهد بود «حس می‌زنم می‌توان گفت که این آیه فراتر از آنچه قبلاً بوده است، به زمانی که لعنت از زمین برداشته می‌شود، چه در دوره هزاره یا آسمان‌های جدید و زمین جدید، نگاه می‌کند. به جای درخت خار، صنوبر را دارید و آن را به معنای واقعی کلمه در نظر می‌گیرید. اما در متن، بهتر است آن را به عنوان مجازی از زندگی جدید پیروان مسیح در ارتباط نزدیک با آنچه در آیه دوازدهم آمده است، درک کنیم. به عبارت دیگر، در قلب‌های سنگاران، خار و خس دیگر نمی‌رویند. آنها مکان‌هایی پر از سایه درختان صنوبر و زیبایی درخت آس هستند. شخصیت متفاوت است، و این همان چیزی است که در نیمه آخر آیه سیزدهم می‌بینید، «این برای خداوند نامی خواهد بود، برای آیتی جاودان که منقطع نخواهد شد «انجیل زندگی‌های تغییر یافته‌ای را ایجاد می‌کند که قابل مشاهده هستند.» این برای خداوند نامی خواهد بود، برای آیتی جاودان که منقطع نخواهد شد «من در این مورد جزم‌اندیش نیستم، اما باز هم شما یک مثال دارید و دشواری را می‌بینید، به ویژه در اشعیا، در تشخیص آنچه قرار است به معنای واقعی کلمه درک شود و آنچه قرار است به صورت مجازی درک شود. و من هیچ راه ساده‌ای برای ارائه نوعی فرمول به شما نمی‌شناسم که بتوانید به سادگی آن را به کار ببرید و مسائلی از این دست را برای شما حل کند. شما باید قضاوت کنید، و فکر می‌کنم، اجازه دهید اختلاف نظرها وجود داشته باشد.

سوال این است که در آیه سیزدهم، آیا مانند آیه دوازدهم، درباره زندگی کسانی صحبت می‌کنید که از مزایای نتایج کار بنده بهره‌مند می‌شوند، یا درباره خود طبیعت؟ به نظر من یکی از این دو مورد است. حالا، متوجه شدم که شما می‌دانید حقیقتی وجود دارد که زمانی فرا خواهد رسید که لعنت از طبیعت برداشته خواهد شد، اما اینکه آیا آیه سیزدهم در مورد همین موضوع صحبت می‌کند یا اینکه آیه سیزدهم صرفاً از تصویر خار و خس برای نشان دادن چیزی در زندگی یک شخص استفاده می‌کند، فکر می‌کنم سوال همین است. من به دلیل نحوه ارتباط آن با آیه دوازدهم، تمایل دارم که آن را به عنوان یک امر قابل مشاهده، به عنوان یک استعاره در نظر

بگیرم.

متوجه خواهید شد که من اشعیا ۵۶: ۱ و ۲ را در اشعیا ۵۶: ۱-۲ فیض خدا منجر به اعمال نیک می‌شود فصل ۵۵ گنجانده‌ام. فکر می‌کنم این آیه در فصل ۱ و ۲ به فصل ۵۶ می‌رسد: خداوند چنین می‌گوید: عدالت را رعایت کنید و عدالت را به جا آورید، زیرا نجات من نزدیک است و عدالت من آشکار خواهد شد. خوشا به حال کسی که این را به جا آورد و پسر انسانی که به آن چنگ زند و روز سبت را از بی‌حرمتی آن حفظ کند و دست خود را از انجام هر بدی باز دارد. «فکر می‌کنم در فصل ۵۶، آیات ۱ و ۲، شما این ایده را دارید که فیض خدا منجر به اعمال نیک در زندگی قوم او می‌شود. این همان ایده‌ای است که پولس در رومیان ۶ از آن صحبت می‌کند: ما که نسبت به گناه مرده‌ایم، چگونه دیگر در آن گناه زندگی کنیم؟ «این ایده مشابهی است. این انکار این ایده است که انسان می‌تواند پس از مسیحی شدن، با میل و رغبت به راه رفتن در گناه ادامه دهد. بنابراین «خداوند چنین می‌گوید: عدالت را رعایت کنید، عدالت را به جا آورید... خوشا به حال کسی که این را به جا آورد، پسر انسان که به آن تمسک جوید و روز سبت را از بی‌حرمتی آن حفظ کند.» خداوند به کسانی که به کار بنده اعتماد دارند و با زندگی مقدس آن را نشان می‌دهند، برکت خواهد داد. این آیات در جای خود قرار گرفته‌اند، نه در ابتدای پیشنهاد نجات. در ابتدا داریم: «بیایید، دریافت کنید، آزادانه بپذیرید، بدون پول، بدون قیمت.» این به اعمال، نه به واسطه اعمال عدالتی که انجام داده‌ایم، وابسته است. اما در اینجا در پایان این پیشنهاد، به عنوان نشانه‌ای از نوع زندگی که فرد رستگار باید داشته باشد، آمده است.

آخرین عبارت در آن آیه این است: «آن که سبت را از آلوده کردن آن حفظ کند و دست خود را از انجام هر کار بدی باز دارد.» «یانگ اظهار می‌کند که کالوین احتمالاً در این باور که سبت در اینجا به عنوان جزء برای کل استفاده می‌شود و به معنای رعایت تمام آنچه خدا مقرر کرده است، درست می‌گوید. بنابراین این تنها کاری نیست که او باید انجام دهد، بلکه این به عنوان یک تصویر یا نمایش برای کل مطرح شده است: رعایت تمام آنچه خدا مقرر کرده است. این ما را به پایان بخش دوم می‌رساند.

بخش پایانی ۵۶: ۳-۸ است: دعوت انجیل به هیچ نژاد یا ملتی محدود. اشعیا ۵۶: ۳-۸ دعوت انجیل محدود نیست، بلکه برای همه آزاد است. این بخش سوم است. به یاد داشته باشید، این بخش‌ها نتایج کار بنده را توصیف می‌کنند. من فکر می‌کنم همه این مطالب به کار بنده، اشعیا ۵۳، مربوط می‌شود. فصل ۵۴ تضمین گسترش و برکت آینده را می‌دهد. فصل ۵۵ فراخوان انجیل است، دعوتی از افراد برای بهره‌مندی از پیشنهاد رایگان نجات. اکنون به بخش کوتاهی می‌رسیم که بر جهانی بودن دعوت انجیل تأکید می‌کند.

آیه ۳ می‌گوید: «و پسر آن بیگانه‌ای که به خداوند پیوسته است، نباید بگوید: خداوند مرا از قوم خود کاملاً جدا کرده است! و خواجه نگوید: اینک من درختی خشک هستم! زیرا خداوند چنین می‌گوید: به خواجه‌هایی که

سبت‌های مرا نگه دارند و چیزهایی را که مرا خشنود می‌کنند برگزینند و به عهد من چنگ زنند، به ایشان نیز خانه‌ام را در درون دیوارهایم، مکانی و نامی بهتر از پسران و دختران خواهم داد.» به نقل قول‌های خود در صفحه ۳۴، زیر کلمه اسکندر، پایین صفحه نگاه کنید. او در مورد آیه سوم می‌گوید: «معنای اصلی این آیه این است که همه محدودیت‌های بیرونی، چه شخصی و چه ملی، لغو خواهند شد. کل دسته از محرومیت‌های شخصی در مورد خواجه‌سرا نشان داده شده است. با اشاره به تثنیه ۱: ۲۳، این عبارت کلی یا نمایانگر جزئیات بیشتری از آنچه بیان می‌کند، است. معنای آن این است که همه محدودیت‌ها - حتی محدودیت‌هایی که هنوز بر نوکیشان تأثیر می‌گذارد - باید لغو شوند.»

در تثنیه ۱: ۲۳ آمده است: «کسی که در سنگ‌ها زخمی شود یا آلت تناسلی‌اش بریده شود، نمی‌تواند وارد جماعت خداوند شود.» محدودیتی وجود دارد، اما اکنون آنچه گفته می‌شود این است که همه محدودیت‌های بیرونی، شخصی یا ملی، لغو می‌شوند. دعوت انجیل برای همه صرف نظر از نژاد، ملت یا عدم صلاحیت‌های شخصی باز است. بنابراین همه محدودیت‌هایی که بر نوکیشان تأثیر می‌گذاشت، لغو می‌شوند.

وقتی به آیات ۴ و ۵ می‌رسید، می‌گویید: «زیرا خداوند چنین می‌گوید: اشعیا ۴: ۵-۵۶ در باره خواجه‌ها و سبت در زیر خواجه‌هایی که سبت مرا نگه می‌دارند، چیزهایی را که مرا خشنود می‌کنند انتخاب می‌کنند، به عهد من چنگ می‌زنند، حتی به آنها خانه خود را در درون دیوارهایم مکانی و نامی بهتر از پسران و دختران خواهم داد. به آنها نامی جاودان خواهم داد که بریده نخواهد شد.» اکنون به نظر من دیوارهای آنجا و خانه آنجا، دیوارهای اورشلیم یا معبد نیستند. باز هم شما به معنای ایده‌آل‌تری صحبت می‌کنید. آنها دیوارهای خانه خدا یا مسکن او هستند که در فصل ۵۴، آیات ۱۱ و ۱۲ به آن اشاره شده است. شکل آنجا مربوط به ساختمانی است که پایه‌های آن با یاقوت کبود، پنجره‌ها از عقیق، دروازه‌ها از یاقوت سرخ و غیره بنا شده است. این خانه خداست.

فکر می‌کنم شما در فصل ۸ اعمال رسولان، تصویر جالبی از این موضوع دارید، زیرا در آنجا درباره برخورد فیلیپ با خواجه‌سرای اتیوپیایی می‌خوانید و در آیه ۲۸ از اعمال رسولان ۸ می‌خوانیم: «او در حال بازگشت، در ارابه خود نشسته بود و اشعیا نبی را می‌خواند، سپس روح به فیلیپ گفت: «نزدیک برو و به ارابه ملحق شو.» فیلیپ به سمت او دوید، شنید که او اشعیا نبی را می‌خواند و گفت: «آیا آنچه را که می‌خوانی می‌فهمی؟» «او گفت: «چگونه می‌توانم جز اینکه کسی مرا راهنمایی کند؟» «و از فیلیپ التماس کرد که بیاید و کنارش بنشیند، و قسمتی از کتاب مقدس که در آن می‌خواند این بود: «او را مانند گوسفندی به کشتارگاه بردند، مانند بره‌ای در برابر مرغانی؛ با این حال، دهانش را نگشود. در فروتنی‌اش، داوری‌اش از او گرفته شد. و چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد، زیرا جان‌اش از زمین گرفته شده است؟» «او از اشعیا ۵۳ می‌خواند. سپس خواجه به فیلیپ پاسخ داد و گفت: «از تو می‌پرسم، پیامبر این را درباره چه کسی می‌گوید؟ درباره خودش یا دیگری؟» «سپس فیلیپ دهانش را باز کرد و از همان کتاب مقدس شروع کرد و به او موعظه کرد: «عیسی «و همچنان که

راه خود را می‌رفتند، به آبی رسیدند و خواجه گفت: «ببین، اینجا آب است. چه چیزی مانع تعمید من می‌شود؟» او فیلیپ گفت: «اگر با تمام قلب خود ایمان بیاوری، می‌توانی.» او پاسخ داد و گفت: «من ایمان دارم که عیسی پسر خداست.» و آنها، هم فیلیپ و هم خواجه، به آب رفتند و او او را غسل تعمید داد. «در اینجا تصویری از یک خواجه دارید که به عنوان یک نوکیش که از جماعت اسرائیل طرد شده بود، اما در اینجا به خانواده یا خانه خدا پذیرفته می‌شود.

آیات ۶ و ۷: «همچنین پسران غریبی که به خداوند می‌پیوندند اشعیا ۶: ۵۶-۷ قربانی‌های سوختنی پذیرفته شده تا او را خدمت کنند و نام خداوند را دوست داشته باشند و بندگان او باشند.» در اینجا دوباره همان عبارت آمده است؛ جمع. هر کسی که سبت را از بی‌حرمتی آن حفظ کند و به عهد من چنگ زند، من او را به کوه مقدس خود خواهم آورد و او را در خانه دعا شادمان خواهم ساخت. قربانی‌های سوختنی آنها، قربانی‌های آنها، بر قربانگاه من پذیرفته خواهد شد، زیرا خانه من خانه دعا برای همه مردم نامیده خواهد شد. خداوند خدا که رانده‌شدگان اسرائیل را جمع می‌کند، می‌گوید: «بله، من دیگران را علاوه بر کسانی که نزد او جمع شده‌اند، نزد او جمع خواهم کرد حال، در آیات شش و هفت، شکلی از بیان را به کار برده‌اید که از مراسم اقتصاد عهد عتیق گرفته شده است.» قربانی‌های سوختنی، قربانی‌های آنها بر قربانگاه من پذیرفته خواهد شد. «بنابراین، آن عبادت با اصطلاحاتی آشنا برای نویسنده و شنوندگان اولیه‌اش توصیف شده است. به نظر من، آنچه در اینجا مد نظر است این است که پرستش واقعی خداوند نباید به آن اشکال خاص محدود شود. فکر می‌کنم بسیار شبیه ملاکی ۱: ۱۱ است. در ملاکی ۱: ۱۱ می‌خوانید: «زیرا از طلوع خورشید تا غروب آن، نام من در میان ملت‌ها بزرگ خواهد بود و در هر جا بخور به نام من تقدیم خواهد شد. و قربانی پاک برای نام من در میان ملت‌ها بزرگ خواهد بود،» می‌گوید خداوند لشکرها. حال، وقتی به طور خاص از بخور و یک قربانی پاک صحبت می‌شود، این از نظر اقتصاد عهد عتیق است. چیزی که فکر می‌کنم از آن صحبت می‌کند از نظر اقتصاد قدیمی است، اما از پرستش واقعی خداوند صحبت می‌کند. این اتفاق از طلوع خورشید تا غروب آن رخ خواهد داد. این زمانی است که مردم به کلیسا می‌پیوندند و از خداوند پیروی می‌کنند و در پی پرستش او در روح و حقیقت هستند.

بنابراین آیه ۸ به دنبال آن می‌آید و بحث ما در مورد این متن را به پایان می‌رساند. خداوند، اشعیا ۸: ۵۶ خدایی که رانده‌شدگان اسرائیل را گرد هم می‌آورد، می‌گوید: «دیگران را نیز به سوی او، علاوه بر آنان که نزد او گرد آمده‌اند، گرد خواهم آورد.» ببینید، نه تنها اسرائیل گرد هم خواهد آمد، بلکه «دیگران را نیز به سوی او، علاوه بر آنان که زیر نظر او گرد آمده‌اند، گرد خواهم آورد.» به نظر من در آخرین عبارت که از فراخواندن غیریهودیان صحبت می‌کند، چنین آمده است.

بنابراین فصل‌های ۵۴ تا ۵۶ نتایج کار خادم هستند. می‌بینید که چگونه خلاصه اشعیا ۵۴-۵۶ نتایج کار خادم کار خادم، این پیشنهاد رایگان نجات را بدون محدودیت یا قید و بند به معنای ملی یا فیزیکی فراهم می‌کند و این پیشنهاد تا اقصی نقاط زمین خواهد رفت.

سوال دانش‌آموز: در آیه ۸، وقتی خداوند می‌گوید که پرستندگان خود را گرد هم می‌آورد، منظورش

چیست؟ آیا او درباره قوم اسرائیل صحبت می‌کند یا کلیسا؟

وانوی: من در این زمینه بیشتر به دومی تمایل دارم، زیرا در چارچوب پیام انجیل قرار دارد. در دوره پاسخ عهد عتیق، اسرائیل مطابق با جسم وجود داشت، و سپس یک اسرائیل واقعی - قوم واقعی خدا - وجود داشت. و سپس آن جنبش را دارید که از شخصیت رومیان پولس از اسرائیل در بریدن شاخه‌های درخت زیتون اهلی و پیوند زدن شاخه‌های وحشی استفاده می‌کند. اما در نهایت اسرائیل باز خرید خواهد شد و تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. من فکر می‌کنم که این یک گردهمایی به معنای بازگشت به سرزمین نیست، بلکه به معنای آمدن به سوی خداوند، به سوی شناخت مسیح و پذیرش کار بنده و مسیح در نجات است.

برداشت کاملاً متفاوتی به شما NIV نگاه می‌کنم - در NIV داشتم از کینگ جیمز می‌خواندم. حالا دارم به می‌دهد - که بیشتر در راستای چیزی است که شما پیشنهاد می‌کنید، و شاید راه بهتری برای برداشت از آن باشد. بنابراین تأکید بر خداوند متعال است که علاوه بر کسانی که قبلاً جمع شده‌اند، دیگران را نیز جمع خواهد کرد. می‌توان گفت او همچنین اسرائیل را از تبعید باز خواهد گرداند. اما تأکید بر جمع کردن دیگران [غیریهودیان] به سوی آنها علاوه بر کسانی است که قبلاً جمع شده‌اند [اسرائیل].

بسیار خوب، بیایید اینجا توقف کنیم. کاری که می‌خواهم در مورد سخنرانی‌مان انجام دهم، همانطور که متوجه شدید، پایان بحث ما در مورد اشعیا است. سپس به سراغ دانیال خواهیم رفت. فکر می‌کردم امروز صبح به دانیال بپردازم، اما با پنج دقیقه باقی مانده، از شروع آن در اینجا تردید دارم. بنابراین بیایید در همین جا توقف کنیم. و بحث خود را با دانیال هفته آینده آغاز خواهیم کرد.

رونویسی توسط برندی هال
ویرایش خام توسط کارلی گیمن
تدوین: بتد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس